

از نگاه دیگری



حجاج ترکستان

(۲)

اسرا دوغان

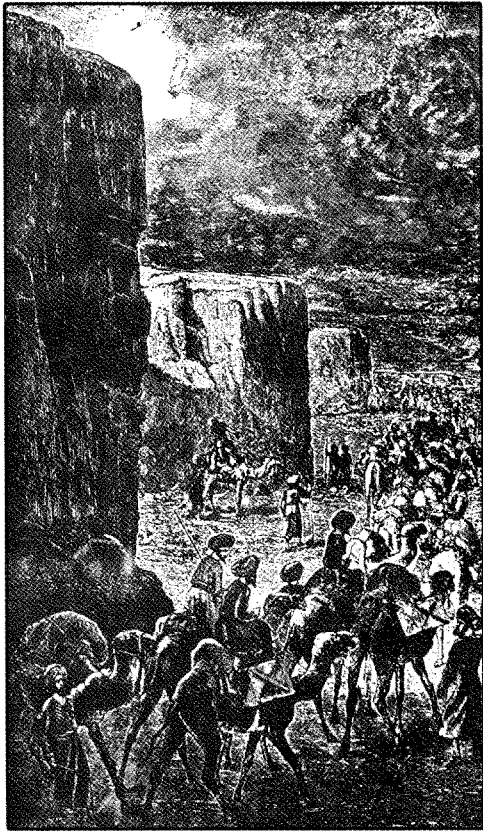
حج در دوران روسیه تزاری

در نیمه نخست قرن نوزدهم، ترکستانی‌ها از یک سو به خاطر عقب ماندگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و از سوی دیگر به دنبال سیاست گسترش سیطره روس بر دیگر بلاد، زیر سلطه روس‌ها درآمدند. در این زمان مسلمانان ترکستان برای انجام عبادات دینی، با مشکلات جدیدی روبه‌رو شدند؛ به ویژه در عباداتی مانند حج، که لازم بود دولت از ایشان محافظت کند. اسلام در این سرزمین‌ها اهمیت بسیار داشت و روس‌ها می‌دانستند که مانع شدن و جلوگیری از عبادت، برای آنان دردسر ساز خواهد شد. بنابراین، به جای «منع»، سیاست «محدود کردن» را به کار بستند.

امین الدوله که در سال ۱۳۱۶ به حج رفته، می‌نویسد:

«... چنانکه دو سال است احدی از تبعه روس نتوانسته‌اند برای حج تذکره بگیرند و آنچه رفتند، تذکره آن‌ها عنوان تجارت و سفر استانبول و مصر بود.»

وی در جای دیگر می‌نویسد: «محمد شامل پاشا پسر شیخ شامل داغستانی است که سال‌ها با دولت روس جنگیده به دربار عثمانی پناهنده شده و در آنجا مدفون گشت.



بخش نخست این نوشته را، در شماره گذشته (۵۴) آوردیم و اکنون بخش دوم آن را، در شماره حاضر به شما خوانندگان گرامی تقدیم می‌کنیم:



حکومت برای مقابله با فريضة حج، تشکّل های مسیونری به راه انداخت و به علما در مورد نوشتن کتاب و رساله برای منع مردم از سفر به حجاز فرمان داد. یکی از این کتاب ها در سال ۱۸۷۰ با نام «سفر به حج و مکه و تأثیر سیاست و دین» چاپ شد. در این رساله به نقش سیاسی - فرهنگی مناسک حج توجه شده و در عین حال، تا حدّ ممکن مسلمانان از رفتن به حج منع شده بودند.

در اواخر قرن ۱۹، تفکر اسلامی گسترش یافت و بالطبع روس ها از این امر بسیار نگران بودند. این ترس و وحشت تنها در روس ها نبود، بلکه کشورهای غربی؛ مانند انگلستان که مستعمرات زیادی در میان ممالک اسلامی داشتند، نیز گرفتار چنین وحشتی بودند. برای جلوگیری از سفر مسلمانان به حج، داشتن تنها یک دروغ و شایعه نیز کافی بود؛ مثلاً کافی بود بگویند بیماری وبا در میان حاجیان شایع شده است!

بعد از ۱۸۹۰ سازمان های قرنطینه بیماری های مسری تشکیل شد. در این سیاست، به ظاهر هیچ منعی برای رفتن به حج وجود نداشت، لیکن با گنجاندن مسأله بیماری به عنوان شرط شرعی، برای

محمد پاشا که پسر اوست، ماهی ۱۵۰ لیره مجاناً شهریه می گیرد و در مدینه اقامت دارد.^۱

روس ها می دانستند که حج عبادت صرف نیست. به عکس، نقشه سیاسی حج را همیشه زیر نظر می گرفتند و ارتباط حجاج ترکستان در راه حج و خبر گرفتن از اوضاع همدیگر برای روسیه بسیار خطرناک بود؛ زیرا این امر نشانه اتحاد مسلمانان ماوراءالنهر محسوب می شد. آن ها به دنبال این بودند که به شکل مناسبی جلوی اینگونه عبادات را بگیرند.

یکی از کارشکنی های آنان، خودداری از دادن گذرنامه به حجاج ترکستان بود. در سال ۱۸۸۰ بر اساس یک قانون، اعطای گذرنامه به مسلمانان به حالت تعلیق در آمد، ولی حجاج در برابر این موانع تسلیم نشده و با رفتن به بندر ادسه، با هزینه بسیار زیادی گذرنامه تهیه می کردند و به راه خود، به سمت حجاز ادامه می دادند. روسیه نیز قادر نبود جلوی این کار را بگیرد تا این که در سال ۱۹۰۴ این ممنوعیت لغو شد، حتی در ادسه برای فروختن گذرنامه به مسلمانان، دفاتر زیادی باز شده بود و بعضی از مسلمانان نیز در این میان، دچار نیرنگ بازی های دفترداران می شدند.^۲

پیش‌گیری از این سفر کفایت می‌کرد.

عبدالرشید ابراهیم، یکی از مسلمانان روسیه، که اصالتاً از یک بود، تجربه خود را در کتاب «سفرنامه حج» اینگونه آورده است:

«هر اندازه که قرنطینه در ظاهر یک تدبیر صحیح است، در اصل یک معلنت سیاسی است. ولی متأسفانه رجال حکومت عثمانی و پزشکان، از این جهت در کل معنا غافل و بیگانه هستند.»

شگفت آن بود که معمولاً در اوایل ماه رجب، زمانی که حجاج می‌خواستند گذرنامه بگیرند، اعلام می‌شد که در یکی از ایالات روسیه وبا مشاهده شده است! چون راه عبور حجاج، در ماه رجب و شعبان از خاک روسیه بود، این امر هر سال اتفاق می‌افتاد و خبر دیده شدن آثار بیماری وبا مرتب اعلام می‌شد. همچنین باید در نظر داشته باشیم که به خاطر ساخت راه آهن به وسیله دولت عثمانی، راه حج بسیار کوتاه شده بود. به همین دلیل اجازه نمی‌دادند کسی در ماه رجب برای اخذ گذرنامه مراجعه کند.

مسلمانان بعد از مدتی، به فکر چاره افتادند. آن‌ها نه گذرنامه حج که گذرنامه

یک کشور دیگری را از دولت روسیه می‌گرفتند! ولی متأسفانه حجاج ما وقتی از مکه خارج می‌شدند، می‌بایست قرنطینه را تحمل می‌کردند. از آنجا به بیروت رسیده و دوباره قرنطینه می‌شدند و به از میر می‌آمدند و بار دیگر همان بدبختی را داشتند و اگر می‌خواستند به روسیه بروند، دوباره در کفه قرنطینه می‌شدند، ولی در هیچ یک از آن‌ها، نه قانونی وجود داشت و نه بهداشتی. حتی بعضی وقت‌ها چنان برخوردهای بدی می‌شد که با هیچ عقلی سازگار نبود.

اگر یک کشتی از مسلمانان از استانبول به روسیه می‌رفت، حتماً قرنطینه می‌شد، ولی کشتی روسی که قصد برگشت از قدس را داشت، مشمول قرنطینه نمی‌شد و اگر در این کشتی فقط و فقط یک مسلمان وجود داشت آن فرد بایستی تحت قرنطینه در می‌آمد. در واقع، آن زمان قرنطینه منحصر به ایام بازگشت حجاج بود.

به نظر می‌رسد این امر از یک سو به جا بود و از سوی سیاسی و نوعی ستم؛ زیرا قرنطینه‌ای که در کشورهای مسلمان (مانند مصر و یا قدس) اجرا شد، تا این حد سخت‌گیرانه نبود.

در اسناد عثمانی، نمونه‌های زیادی از این دست وجود دارد که تنها دو مورد از



آنها را در اینجا می آوریم:

* عثمانی ها در خصوص بیماری وبا و انجام قرنطینه، بسیار سختگیرانه عمل نموده، به شکایتی از طرف حجاج توجه نمی کردند. حجاج و مسافرانی که از سمرقند وارد قلمرو عثمانی می شدند و نشانه های وبا در آنها پدیدار می گشت، تحت کنترل و معاینات بهداشتی قرار می گرفتند.

29/Z/1310) N.PRK. AZJ 25/58

قرنطینه (تحفظ خانه) حجاج و دیگر مسافرانی که از ادسه و کوستنج به در سعادت آمده اند.

(24/6/1325) Y.MTV. 303/170

گزارش عزیمت حجاج خراسان به مکه، از مسیر کرمانشاه، به خاطر اغتشاش راه روسیه و لزوم جلوگیری مفرط آنها به قبض عبور و لزوم صدور تذکره برای آنها از اداره تذکره محل اقامت. (۶۵ - ۱۶۵/۱/۲۵ سال - مرکز اسناد وزارت خارجه ایران، فرستنده: اداره تذکره خراسان و سیستان).

رونوشت نامه در خصوص دستور استرداد جریمه دریافتی از حجاج تیموری با توجه به سرقت تذکره های آنها و نامه در مورد صدور دستور استرداد وجوه جریمه دریافتی از حجاج تیموری به آنها.

سال ۱۳۲۴. ۴ - ۴، ۳ - ۲۵/۵/۳ (مرکز اسناد وزارت خارجه ایران).

نامه ای در باره رئیس گمرک سیستان از استرداد وجه دریافتی از حجاج تیموری سرقت تذکره آنها و لزوم رسیدگی به قضیه. ۱۱۶ - ۱۳۲۴/۲۵/۶/۱/۱۱۵ (مرکز اسناد وزارت خارجه ایران).

ممانعت از حرکت حجاج روس به سمت حجاز که در قرنطینه خانه کالازومن شورش به پا کرده بودند.

(1329h) /Dosya 50/1 DH.ID

علی رغم این که حکومت روسیه قادر به حلّ این مسأله نبود، در سال ۱۸۹۶ کمیته ای زیر نظر والی عمومی ترکستان تأسیس کرد. این کمیته در جلسه اول خود اظهار داشت که اساساً ممانعت از رفتن به حج قابل قبول نیست. به همین دلیل باید بدین امر اجازه داده شود. ولی این مسامحه، امری ناخواسته بود. بر اساس رأی این مجمع، سفرهای حج می بایستی در چهارچوب برنامه ای خاص انجام می شد. اگر کسی می خواست از راه دریا برود، با قطار از ترکستان به بندر کریمه (ادسا) و از آنجا هم می بایست با کشتی های روسی به حجاز می رفت.

این برنامه بعد از مباحثه های طولانی

سفارت جده به کار مترجمی مشغول شده بود. یکی از این شرکت‌های مسافرتی، شرکت عظیم بایف بود که با مدیریت جدید، اولین سند حج خود را در سال ۱۹۰۸ با گروهی ده هزار نفری محقق ساخت. (همان کتاب، ص ۳۲).

این تنظیمات جدید نتوانست درگیری‌های حجاج ترکستان را از میان بردارد. انتقاد بسیار تندی که علیه عظیم بایف از طرف یکی از حجاج ترکستان به نام مصطفی یانقلیجو، که به اداره اتحاد مسلمین فرستاده شده بود، چنین می‌گوید:

«افندی محترم! شما را به خدا قسم می‌دهم این نامه را که با اشک خونم نوشته‌ام، در مجله‌تان مطرح کنید. دو سال قبل کسی که با نام سید غنی عظیم اف، بین حجاج سمساری می‌کرد، امسال کارش بسیار گسترده‌تر شد. حجاجی که وارد ادسه شده و وارد منازل می‌شوند از طرف مأمورین دولتی دستگیر می‌شوند، گویا به زندان برده می‌شوند. از دو طرفشان کشیده و به حاجی‌خانه عظیم بایف می‌برند. بعد از این که یکبار به حاجی‌خانه وارد شدند، دیگر ممنوع‌الخروج می‌شوند. اگر کسی به طور اشتباه نیز از این حاجی‌خانه بیرون

در تاریخ ۱۹۰۳ از طرف روسیه تزاری تأیید و به مرحله اجرا در آمد.

JD.Brazuer, Mekke ge
yol, Turkistan Hacilari ve)
(hukumeti, Mayis 1993 s.31 Car

در این میان و در سال ۱۹۰۴، قانون ممنوعیت سفر حج لغو شد. در آن دوران، تاجری ثروتمند از تاشکندی، به نام سید غنی عظیم بایف، پیشنهادی را درباره حج‌گزاری به والی عمومی ترکستان ارائه کرد، لیکن نگاه والی به این پیشنهاد مثبت نبود. او هم بعد از این به پایتخت روسیه رفت و از سن پترزبورگ موافقت گرفت. در این پیشنهاد برای حجاج بایستی قطارهای خصوصی تهیه می‌شد. جایی که حجاج در آنجا جمع می‌شدند، یا همان بندر ادسا، حاجی‌خانه‌ها و مراکز بهداشتی تأسیس می‌شد و مترجم‌ها در طول راه برای کمک به حجاج مستقر می‌شدند. امور حج نیز باید بر عهده شرکت‌های خصوصی گذاشته می‌شد.

روس‌ها در سفارت‌ها و کنسول‌گری‌های حجاز از مسلمانان ترکستان اقدام به جذب کارمند می‌کردند. از میان این افراد، شاعر و متفکر سمرقندی، صدقی منجزی (۱۸۶۹-۱۹۲۷) در تاریخ ۱۹۰۰ در



می آمد، نگهبانی فریاد می زد که داخل شو ای سگ! این رفتار را مجله های ادسا به بهداشت حجاج نسبت می دادند. ولی حجاج روسی که از قدس می آمدند (Palamonikha) و با ما در یک جا زندگی کرده و با همان واگن آمده بودند، در داخل شهر آزادانه تردد می کردند. حجاج در رفتن از ادسا مجبور هستند بلیت شان را رفت و برگشت بخرند و بایستی با کشتی روس عزیمت کنند. اگر تنها بلیت رفت می خواستند شرکت ها از فروش بلیت خودداری می کردند. قیمت بلیت آنقدر زیاد است که در عقل انسان نمی گنجد. این امر هر ساله بدین گونه است. حاجی مانند فردی تبعیدی تحت الامرِ خادمان کشتی به حج می رود و بر می گردد. کشتی حجاج را مانند یک قایق فاضلاب نگاه می کنند. تا چه وقت حالمان بدینگونه خواهد بود؟! چه وقت چشم اعضای مسلمان محترم مجلس مبعوثان استانبول دوما به وضعیت ما می خورد و از این رذالت خلاص می شویم؟!

موکل های مرخص دوما و اعضای مجلس مبعوثان! شما میزبان هستید و ما میهمان. گمان می شود که توجه داشتن به حال ما و راضی شدن به این حال، که در سرزمین خودتان اتفاق می افتاد، با

میهمان نوازی عثمانی که به این خصوصیت از اول افتخار می کردند، هیچ وقت قابل قبول نباشد. ای نایبان! نگاه کنید به احوال مسلمانان، مرحمت بکنید! به این وحشت که در داخل مدنیت اجرا می شود، اجازه ندهید. مثل ملت های دیگر، ما هم حج شریفمان را با کمال حرمت و استراحت انجام دهیم. چاره این مسأله بر عهده شما واجب است مگر نه مسؤولیت شما در پیش خدا خیلی زیاد است؟! »

سفرهای قبلی که با کاروان انجام می شد، جاهای مشخص و معین طبق سن میهمانپذیرها و سیستم های حفاظتی داشت. در مسیر قطار حجاج هم هزاران نفر برای سوار شدن به قطار در ایستگاه کوچک و غیر مجهز تجمع می کردند. در اینجا خطرهایی جان حجاج را تهدید می کرد. بیشتر حجاج نمی توانستند از نظر بهداشتی به اندازه کافی از خود مراقبت نموده، مریض شده و در استانبول برای بازگشت به کشور خودشان گدایی می کردند. اما برخی از اسناد در این ارتباط :

آنان به سفارت روسیه سر می زدند. در صورت برگشت، دست خالی از آنجا پیش امرای عثمانی رفته و از آنان

کمک می‌خواستند.

اعطای هزینه کافی برای بازگشت
حجاج بخارا و اهالی چین، که در سعادت
پریشان شده بودند.

(12/R/1336) MV/163/36

- حمل و نقل رایگان حجاج

بخارایی (29/M/1332) DH.ID 52/11

- پرداخت هزینه سفر بازگشت ۶۰۰
حاجی افغانی که بعد از برگشتن از جده، در
استانبول متوقف شده بودند، از ترتیبات
مصارف غیر مسلحیه.

(01/RA/1328) MV.137/117

- مساعدت به بازگشت حجاج افغان

که از بخارا به قصد حجاز وارد استانبول
شده و به خاطر کمبود مالی، قادر به ادامه
سفر نبودند.

(23/RA/1332) DH.MP.HPS.M

10/50

به نظر می‌رسد که حجاج ترکستان، در
مسیر حج، مشکلات گوناگونی داشته‌اند.
بهبودی در سفرنامه حج خود چنین
می‌نویسد:

«حاجی به خاطر این‌که در کیسه
پولش، هزاران سکه پول نداشت،
نمی‌توانست به اندازه‌ای که دلش
می‌خواست غذا بخورد. در قرنطینه خودش

را مسکین نشان می‌دهد و بدون پول از
قرنطینه عبور می‌کند و ذلت را به‌جان
می‌خرد، حاجی مکتب و مدرسه دیده پیدا
نمی‌شود.

بعضی از حجاج ما بدون داشتن پول
راهی سفر می‌شدند، بسیار تأسف آور است
که «ما مسکینیم» می‌گفتند و با حمال و
مأمورین بندر دعوا می‌کردند. بعضی
گوشت‌های یک ماه قبل را می‌خوردند و
مریض می‌شدند. در آن هوای گرم، گوشت
اسب و غاز می‌خوردند.

یکی از شکایات حجاج ترکستان به
دولت عثمانی را در ذیل می‌آوریم:

مشکل تراشی دلال‌های تبعه روس در
بین مسلمانانی که قصد عزیمت به حج را
داشتند، با سوء استفاده از عدم آشنایی
حجاج به زبان روسی. در عوض دولت
عثمانی نیز با مهر رسمی اقدام به تعیین
کدخدایی از اهالی مسلمان چین و ترکستان
می‌نمود تا این مسأله را برطرف
نماید. (29/2/1310) Y.PRK. AZT 25/58
سفر حجاج زن به حجاز بسیار
دشوارتر است. بهبودی در این مورد
می‌نویسد:

بعضی از برادران ترکستان با عیالشان
به سفر می‌روند. در کشتی احوال حجاج



خانم بسیار اسفبار است. با این حال کشانیدن آن‌ها به حج و زیر پا گذاشتن ایشان و پنهان کردنشان در بدترین جای کشتی و پوشاندن آنان در لباس‌های ناراحت، واقعاً گناه است. آن‌ها به سبب شدت سفر و اذیت در مسیر، مریض می‌شوند. اگر می‌شد مادرهای بیچاره‌مان را نبریم، بهتر بود. امپراتوری روسیه برای جلوگیری از یک شورش و ناراضی‌های اجتماعی بود که رفتن به حج را به صورت علنی منع نمی‌کرد. مسلمانان نیز در راه چاره‌جویی برای مبارزه با دسیسه روس‌ها، به ناچار حج پنهانی را در پیش گرفتند. آنان گاهی به بهانه بیماری، گاهی برای تجارت و گاهی نیز به صورت غیرقانونی از کشور خارج و به حج می‌رفتند؛ زیرا کنسولگری روسیه در جده مراجعه افراد زیادی را ثبت کرده که فاقد گذرنامه بوده و به صورت غیر قانونی وارد حجاز شده بودند.

(Brauzer, S.03)

بیشتر این حجاج احتمالاً به صورت قاچاق از راه ایران، افغانستان و هند به جده سرازیر می‌شدند.

روس‌ها همیشه سعی می‌کردند تا اخبار شورش‌های و حوادث داخلی و خارجی مسلمانان ترکستان به گوش دیگران

نرسد. به‌طور مثال، در سال ۱۹۰۳ که شورش دوکچودر فرغانه به وقوع پیوست، روس‌ها رفتن به حج را برای مسلمانان ترکستان ممنوع اعلام کردند.

(Muhammed Musa Turkistani, Kaybolan vatan Turkistan Faciasi) (1983, S.345)

ما از تعداد مسلمانانی که هر سال از روسیه تزاری موفق به انجام سفر حج می‌شدند، اطلاع دقیقی نداریم. برای تثبیت ارقامی که نزدیک به حقیقت باشد، بایستی اسناد مربوط به حج در کنسولگری روسیه در جده و مدارک موجود در سازمان‌های روسی مورد بررسی قرار گیرد.

با این حال، اسناد و نوشته‌های ثبت شده در کنسولگری روس در سال ۱۸۹۴ اطلاعاتی را در اختیار ما می‌گذارد که نشان می‌دهد، حدود ۷۵٪ از ۳۵۰۰ نفر حاجی اعزامی، از حجاج فرغانه بوده‌اند.

(Isa Cabbarov, Zulmetten Marefetge, Taskent, 4891)

تعداد حجاج، باتوجه به قحطی و یا وفور نعمت در کشورهای اسلامی، هر سال کم و زیاد می‌شد. به‌طور مثال، در سال ۱۹۰۹ به دنبال افت میزان تولید پنبه، که از اصلی‌ترین منابع درآمد مردم فرغانه به شمار

حجاز دولت عثمانی مسیر حج را کوتاهتر و آسانتر کرده و برای اهالی ترکستان نیز بسیاری پر فایده به شمار می آمد، آنان نیز تا جایی که توان داشتند کمک های مالی خود را برای انجام این پروژه ارسال می کردند. از آن جمله در سال ۱۳۱۶ هجری، از طرف کوشیک های بخارا و آستاناکول برای راه آهن حجاز مقدار ۸۴۶.۳۷ قروش به کمیسیون اعانه راه آهن عثمانی فرستاده شد.ب)

(BA. Yildiz esas evrak, Kisim

18-3/ evrak n.480/230)

به همین شکل، یابال باطور از امیران مانایمای گرگیر در سال ۱۹۰۴ در اثنای سفر به حجاز از راه استانبول، مقدار دو هزار صم (Som) کمک مالی کرده بود. در مقابل، از طرف عبدالحمید پادشاه عثمانی نیز برات و نشان طلا به وی اعطا شد.

(Kemal Sabdan Ululu, @

Sabdan Koskaca Tarih, @ Sabdan

baatir, Haz.N.Kapov Biskek, 2991)

حج در دوران کمونیست ها

ترکستان به دوره جدیدی پا گذاشت که در آن، انقلاب بلشویک بر ضد اسلام به وقوع می پیوست. بلشویک ها در سال های

می آمد، تعداد حجاج به ۱۵۰۰ نفر کاهش و در عوض در سال ۱۹۱۰ به خاطر خوب بودن محصول پنبه، این رقم به ۵۰۰۰ نفر افزایش یافته بود. (Brauzer S.13)



علی رغم این که ترک های ترکستان در دوره روسیه تزاری شرایط بسیار سختی را می گذراندند، با این وجود علاقه و عشق خود به سرزمین مقدس را در هر جایی بروز می دادند. آنان برای آسان کردن سفرهای حج از هیچ تلاشی دریغ نمی کردند. در این چهارچوب، از آنجا که راه آهن استانبول

Kaygisiz Atabeyin

kaygilari, Ozbegim, ed. M. Mansur,

Taskent 1992, (S.85)

در این سال‌ها ترک‌های ترکستان به بهانه ادای فریضه حج و به‌جا آوردن مراسم آن، به خارج کشور رفته و دیگر بر نمی‌گشتند. تعداد حججی که از سال ۱۹۲۰ به این سوی به عربستان رفتند و در آنجا ساکن شدند، ۳۰۰ - ۴۰۰ هزار نفر را شامل می‌شود.

بلشویک‌ها بعد از تسلط کامل بر ترکستان، مجدداً مجادلات دینی خود بر ضدّ مسلمانان را به راه انداختند. آنان بعد از سال ۱۹۲۰ بر سرعت فعالیت‌های خود افزودند. (Guresgen Hudusizlar birligi) جمعیت مبارزان بی‌خدا مقاله‌ای را در نشریه خود به نام «مجله بی‌خدایان» چاپ کردند که در آن نوشته‌هایی را بر ضدّ حج و جدال با مسلمانان مشاهده می‌کنیم. در این مجله، مقاله‌ای به نام «حج و قربانی» منتشر شد که در آن آمده بود: حج از طرف محمد تنها برای تأمین مالی صحرای عربستان درست شده و به خاطر تسلط بر دنیای اسلام است! این اعراب فقط می‌خواهند از فقرای ترکستان سود ببرند!

(Hudasizlar, N.4. 1929, s.3233)

ابتدایی حکومت خود تدابیر سختی را در برابر اسلام اندیشیده بودند. از مهمترین دلایل این امر، شورش آزادیخواهان باسماچیان مسلمانان در ترکستان بود. رژیم در جهت عدم موفقیت در برابر این‌گونه حرکات، سیاست مجادله با مسلمانان را مدتی کنار گذاشت.

اسنادی در خصوص رفتن مسلمانان به حج در این دوره در دست نداریم.

در میان سال‌های ۱۹۱۸ - ۱۹۲۰ بین ارتش سرخ روسیه و باسماچیان جنگ شدیدی رخ داد که در نتیجه آن، مردم فرغانه روزهای سختی را پشت سر گذاشتند. در این زمان مسلمانان فرغانه به حج، به عنوان راهی برای نجات می‌نگریستند. کایقوسوز آتابای در چهارمین اجتماع کمیته مرکزی ترکستان چنین می‌گوید:

«مردم فرغانه اکنون تک تک و گروه گروه زندگی روستاییان را خراب می‌کنند، مال‌هایشان را می‌فروشند. آن‌ها که بچه ندارند زنانشان را طلاق می‌دهند و برای رفتن به حج، به سوی قطارها می‌شتابند.»

در این ایام رفتن به حج آنقدر رواج یافته بود که به حجاز به چشم سرزمین موعود موعود فرغانه نگریسته می‌شد.

ولی در سال ۱۹۴۷، همانند امپراتوری تزاری، به بهانه وجود خطر بیماری مالاریا، از رفتن به حج ممانعت به عمل می آمد که این رویه تا مرگ استالین در سال ۱۹۵۳ نیز ادامه پیدا کرد. در این سال حکومت شوروی به عنوان نوعی تبلیغات مثبت و برای نشان دادن خود به تمامی مسلمانان جهان، آزادی های دینی و امکانات خصوصی ویژه ای را برای حجاج ترکستان در نظر گرفت. روس ها ابتدا کاروانی از مأموران خودشان را تشکیل داده و آن ها را برای تبلیغات به استانبول فرستادند. ریاست این کاروان را امام مسجد مسکو، صالح اف که از مسلمانان تاتار بود، برعهده داشت. دولت روسیه در این کاروان افرادی از تمامی جمهوری های مسلمان خود؛ همچون باشقورد، قزاق، قفقاز و آذربایجان را جای داده بود. در میان سال های ۱۹۴۵ - ۱۹۸۰ روس ها هر ساله ۱۵ - ۳۰ نفر را به حج می فرستادند که هریک از جمهوری ها، در این تعداد ۲ الی ۴ نفر نماینده داشتند.

در سال ۱۹۸۰ و در پی اجرای سیاست های بازگورباچف، ده ها هزار نفر به مؤسسات زیارتی حج مراجعه کردند. به دنبال آن، مسؤولان شوروی با مشکلات فراوانی روبه رو شده و برای کاستن از این

در میان سال های ۱۳۹۰ - ۳۵ هیچگونه برنامه ای برای رفتن به حج وجود نداشت و مسلمانان تنها با سعی و کوشش خود به حجاز می رفتند.

وقتی روس ها در جنگ جهانی دوم با شکست مواجه شدند، در خصوص سیاست دینی خود نیز تجدید نظر کردند. در این زمان، برای کسانی که دارای احساسات وطن پرستی بودند تا اندازه ای نسبت به مسائل دینی آزادی عمل داده می شد. در سال ۱۹۴۳ مؤسسه نظارت دینی مسلمانان قزاقستان و آسیای میانه تأسیس شد. مردم زیادی برای رفتن به سفر حج به این مؤسسه مراجعه می کردند. مؤسسه نظارت دینی نیز این درخواست ها را به حکومت اعلام کرده و برای سفر مسلمانان از آن اجازه می گرفت. در این سال، هیأتی ۶ نفره متشکل از آخوند قاراقالپاکستانی از قاضی های مؤسسه نظارت دینی، یک اجر از نمندگان، یک امام خطیب از خجند، یک معلم و یک نفر تاجر از قزاقستان از راه ایران به بغداد، از آنجا به مصر و از مصر نیز به مکه رفتند.

(Kadi Muradhaca Salihi Otgen
yil hac seferi, Orta Asya ve Kazakistan
Muslumanlari Diniye Nezareti
Jurnali, S,3.4. Taskent)

بوده‌اند و برای سفرهای رفت و بازگشت حج، برنامه‌های مخصوصی داشته‌اند.

وامبری در خصوص این آداب و رسوم، چنین می‌نویسد:

«وقتی به چادر باسلا رسیدیم، ما را پیاده کردند. در اینجا مشخص شد که اهالی کاروان ما در کجا میهمان می‌شوند. احوالاتی را که در اینجا مشاهده کردم، در عمرم فراموش نمی‌کنم. مردم قادر نبودند. این میهمان‌ها را در میان خود تقسیم کرده و به خانه خود ببرند. آن‌ها پذیرایی از کاروان حجاج را برای خود یک افتخار می‌دانستند (وامبری، ص ۶۲)».

مسلمانان قریز نیز فریضه حج را انجام می‌دادند. کسانی هم که قادر به انجام سفر حج نبودند، ملاهای دینداری را که از بخارا کاشمر، سمرقند و تاشکند آمده و به سمت حج می‌رفتند را «حج بدل» و یا نایب‌الزیاره قرار می‌دادند. مخبرالسلطنه می‌نویسد:

«در مدینه بین اهالی، تعصب بیشتر از مکه است، خصوصاً در مردم بخارایی که همیشه جمعی مجاورند. وقتی که در مدینه بودم، (۱۳۲۱) وقتی می‌خواستم وضو بگیرم، گفتم با عصبانیت، آقا! عجله

مشکلات، هزینه‌های سفر حج را افزایش دادند.

به عنوان مثال هرچه سفر حج که در سال ۱۹۸۹، ۴۰۰ روپل بود، در سال ۱۹۹۰ به روپل رسیده بود.

Anny Sheehy, Dagistani Muslim
protest Aganist Cost of pligiramage
toMekke, 1991)

حج در ترکستان پس از کمونیست‌ها

جمهوری‌های ترکستان در سال ۱۹۹۱ به استقلال رسیدند و قوانین و مقررات جدیدی را برای آزادی‌های دینی تصویب کرده و امکان انجام عبادات دینی را فراهم آوردند. مردم می‌توانستند با آسودگی به حج بروند. تعداد حجاج در این دوران به اوج خود رسید. در سال ۱۹۹۱، ۴۰۰ نفر و در سال ۱۹۹۴، ۲۷۰۰ نفر تنها از جمهوری ازبکستان به سفر حج رفتند. در حال حاضر نیز حجاج ترکستان می‌توانند آزادانه به حج بروند. گمان می‌شود که از کشورهای دیگر همسایه هم به همین اندازه به حج رفته باشند.

آداب و رسوم حج در ترکستان

مردم ترکستان از قرن‌ها پیش اهمیت زیادی را برای انجام فریضه حج قائل

و گردش می کردند، مردم نیز احترام زیادی برای او قائل می شدند. حاجی در بازگشت از سفر حج، هدایایی را برای اقوام و آشنایان آورده و میهمانی بر پا می کردند. یکی از باارزشترین این هدایا، آب چاه زمزم بوده است. خانم هایی هم که از سفر حج برمی گشتند، روسری سفید به سر می کردند.

مردم ماوراءالنهر، جاهایی را که در نظر شاه مقدس محسوب می شد، با کعبه مقایسه می کردند. این امر نشان می دهد که آنان تا چه اندازه نسبت به این مکان ارزش و احترام قائل بودند. (درویش دروغین، ص ۱۴۸)

مردم ماوراءالنهر معتقدند رودخانه شیش که بستر رود جیحون است، در زمان های قدیم از زیر دیوار بنایی که قرار بود خانه کعبه در آن ساخته شود، جریان پیدامی کرد، از این رو آنها شهر بخارا را در مقام و منزلت با مکه و مدینه مقایسه می کردند (درویش دروغین، ص ۲۴۸).

وامبری می نویسد:

«حاجی ها غالباً در کوله پشتی خود دانه هایی متبرک از مکه، خرماي مدینه و نشانه های ساخت ایران را به همراه داشتند. حجاج مسلمان قبل و بعد از

کن. متوجه شدم که چند بخارایی غضب آلود منتظرند. محلّ تعجب است که به این اندازه مغایر بین برادرهای دینی انداخته اند. (سفرنامه مخیر السلطنه، انتشارات تیرازه، ۱۳۶۷، ص ۲۹۶)»

میرزا داود هم می نویسد:

«حجاج بخارایی در همان کشتی که میرزا داود با هم می رفتند، از او مذهبش را پرسیدند. او پاسخ داده است که شافعی است. آنان باور نکرده اند و از او سؤال کشیده اند.»

وی در جای دیگری می نویسد:

«بعضی از اهل تاتار در کشتی بودند. بعد از احرام قمه های خود را بسته و تفنگ های دولول بردوش انداخته بودند، مثل کسی که می خواهد به جنگ برود. (سفرنامه میرزا داود وزیر وظایف، به کوشش سیدعلی قاضی عسکر، انتشارات مشعر، ۱۳۷۹، صص ۸۸، ۸۷)»

در میان ازبک ها، حجاج قبل از رفتن به حج به مردم «پلوی حج» می دادند و جشن و سرور بر پا می کردند. مردم نیز برای وی هدایایی آورده و با جشن و شادی حجاج را بدرقه می کردند. کسانی که از سفر حج باز می گشتند به مدت یک ماه لباس اعراب را به تن کرده

می‌کنیم نمونه‌های ادبی مشترک زیادی در ادبیات آناتولی و ترکستان وجود دارد. یکی از مهمترین این افراد ملاجامی است.

افرادى از ترکستان که در آناتولى ماندگار شدند

امیر سلطان (۱۳۶۸ - ۱۴۲۹ میلادی)

نامش محمد و لقبش شمس‌الدین است. پدرش آلپ افندی معروف به امیرکولال بوده است. وی بعد از ازدواج با دختر سلطان بایزید، لقب «امیر سلطان» را به خود می‌گیرد. او از طریقت کبرویه تبعیت می‌کند. بعد از اتمام تحصیلات در بخارا به دنبال یک الهام آسمانی به حج رفته و از آنجا نیز به آناتولی آمد و در آنجا سکنی گزید.

عبدالقادر جزائری گوید: بدرالدین محمد بن احمد بن عبدالعزیز بن ماده البخاری رئیس حنفیه بخارایی در سال ۶۰۳ از راه بغداد به حج رفت. (در الفوائد، درالکتب العلمیه، ۲۰۰۲، ص ۴۱۶).

خندان (م ۱۴۲۶)

وی برادر سید عمادالدین نسیمی و از اهالی بخارا است. در ایام جوانی و در اثنای حرکت به سمت حج، شهرهای زیادی

حج، اماکن مقدس را نیز زیارت می‌کردند. یکی از این اماکن مزار عبدالخالق در ده فرسخی شهر بخارا و دیگری مزار قوجه عبدالحق قیجوانی (متوفای سال ۱۲۰۱) معاصر با دریابند، زمین» مصرف بود. شهرت او در علم ریاضی تا امروز محفوظ مانده است (درویش دروغین، ص ۲۶۱).

حجاج ماوراءالنهر علاوه بر آنچه در بالا اشاره شد، برای صحت بیماران، گرد صحت و خاک شفا را از مدینه به همراه می‌آوردند. (ص ۲۵۷).

شعرا و علمایی که از ماوراءالنهر و ترکستان به قصد حج حرکت می‌کردند، در هر حال از آناتولی و استانبول، مرکز خلافت نیز می‌گذشتند. برخی از این شعرا و علما از آناتولی و استانبول عبور کرده و برخی دیگر به خواست پادشاه در آنجا اقامت می‌گزیدند.

این سفر به منزله پل ارتباطی میان آناتولی و استانبول با اهالی مناطق ترکستان محسوب می‌شد. از آنجا که پادشاهان عثمانی حمایت‌های بی‌دریغی را از این افراد به عمل می‌آوردند، در نتیجه علما ترکستان در سرزمین عثمانی و خصوصاً در شهر استانبول می‌ماندند. همچنان که مشاهده

سمرقند هرات، بلخ و خجند سفر کرد. در خراسان، شیراز، بغداد و شام اقامت گزید. در شام در خدمت حاج عمر بلخی بود. سه بار به قدس و حجاز رفت و فریضه حج را به جای آورد. بعد از ۴۵ سال سیاحت به استانبول آمد و در منطقه ایوب سلطان اسکان یافت. در میان سالهای ۱۱۵۶-۵۹ شیخ تکیه قلندریه شده و در سال ۱۱۷۴ نیز وفات یافت.

همچون نیشابور، اصفهان را سیاحت کرد و بعد از انجام حج نیز به آناتولی آمد و از آنجا به کربلا رفت. با لقب شاه خندان ژولیده موی مشهور شد و در سال ۸۳۰ نیز وفات یافت.

عبدالله بن محمد کاشغری (وفات ۱۱۰۰)

وی در کاشغر به دنیا آمد و در ۱۷ سالگی وارد طریقت نقشبندی شد. به

پی نوشت‌ها

۱. سفرنامه مکه، امین الدوله، انتشارات توس، ۱۳۷۶، صص ۶۴ و ۲۳۳
۲. حجاج مسلمین و امور صحیّه، عبدالله، ابراهیم، ص ۱۴۲، چاپ ۱۳۲۸



